



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعِلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾  
(۸۷) وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالَهُمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸) قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹) وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُوا إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰) الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱) فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِنَا لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿(۹۲)﴾

بعد از پیروزی نسبی وجود مبارک موسی و هارون ((سلام الله علیه)) در آن صحنه مبارزه و تحدی یک مقدار آرامش و آزادی برای مؤمنان به موسای کلیم ((سلام الله علیه)) پدید آمد آن آزادی مطلق بعد از جریان غرق فرعون بود بعد از آن تحدی که سحره اعتراف کردند و عده‌ای از سحره هم اعدام شدند بنی اسرائیل یک موقعیت نسبی پیدا کردند قبل از غرق فرعون در چنین حالی خدای سبحان فرمود ما به موسی و برادرش دستور دادیم که در شهر مصر خانه مؤمنان به وحی و تورات را تأمین کند و این خانه‌ها را در مقابل یکدیگر و رو به روی یکدیگر قرار بدهد که اینها یک قبیله منسجمی باشند ﴿و اوحینا الی موسی و أخیه ان تبوءا لقومكما بمصر بیوتا﴾ این کلمه مصر اگر معرفه باشد منظور همان شهر مخصوص مصر است و اگر مصراً که در بعضی از بخشهای دیگر قرآن کریم آمده

است نکره است و تنوین قبول می‌کند آن مصرأً غیر از این مصری است که معرفه است و غیر منصرف است و تنوین قبول نمی‌کند در برخی از روایات این ﴿وَجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً﴾ را یعنی خانه‌هایتان را مصلی قرار دهید یا خانه‌هایتان را به طرف قبله قرار بدهید است کم و بیش آن تفسیرهایی که سبقه روایی دارد چنین معانی هم ذکر کرده‌اند ﴿وَجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً﴾ یعنی به طرف قبله قرار بدهید ولی ظاهرش آن است که خانه‌هایتان را مقابل هم قرار بدهید که از یکدیگر باخبر باشید اقامه نماز هم در منزل‌هایتان هم هست چه اینکه همانها هم نقل کرده‌اند یعنی تفسیرهایی که سبقه روایی دارند ﴿وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ﴾ را گفتند ﴿صَلُّوا بِبَيْتِكُمْ﴾ بشارتی را که خدای سبحان به موسی کلیم دستور ابلاغش را داد تنها بشارت به لحاظ بهشت نیست يك تبشیر دنیایی را هم به همراه دارد یعنی به اینها بگویید ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup> بالآخره اینها نجات پیدا می‌کنند زمینه نجات هم از همین جا شروع می‌شود که موسی کلیم (سلام الله علیه) عرض کرد خدایا اینها يك قدرتی دارند يك زینتی دارند يك نژاد برتری‌اند به حسب ظاهر يك زینت بدنی دارند خوش اندام‌اند خوش تیپ‌اند دیگران این‌طور نیستند این از نظر زینت و سرمایه هم در اختیار اینهاست و اینها هم که زینت حیات دنیاست و در بسیاری از مردم هم در همین امور اینها مؤثر است پروردگارا این زینت‌های طبیعی و صنایع را از آنها بگیر ﴿وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتِيتُ فِرْعَوْنَ وَ مَلَاهُ زِينَةً وَ اَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ که اینها این زینت را و این اموال را در بهره‌های دنیایی به کار می‌برند ﴿اِنَّمَا اَمْوَالُكُمْ وَ اولادُكُمْ فَتْنَةٌ﴾<sup>۲</sup> اینها با اینکه زینت حیات دنیا است اینها يك فتنه بدی دارند در این فتنه و امتحان الهی بد پاسخ دادند ﴿رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ﴾ که لام لام عاقبت است نظیر ﴿فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا﴾<sup>۳</sup> که این لام لام عاقبت است نه لام غایت پس

۱ - سورة اعراف، آیه ۱۲۸

۲ - سورة انفال، آیه ۲۸

۳ - سورة قصص، آیه ۸

پروردگارا این اموال و این زینتی که شما به اینها عطا کردید اینها به جای بهره نیک بهره بد می‌برند باعث ضلالت و اضلال خواهند بود خدایا اموال اینها را محو بکن این طمس همان محو است آنچه که در سوره مبارکه مرسلات می‌آید که در طلوعه قیامت نجوم منطمس می‌شوند آیه هشت سوره مبارکه مرسلات ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾<sup>۱</sup> همین است این ستاره‌ها محو می‌شوند کم نور و کم فروغ می‌شوند بخشی از اموال را ذات اقدس الاله به تدریج بی فروغ می‌کند نظیر ﴿يَحِقُّ اللَّهُ الرَّبَا﴾<sup>۲</sup> این محاق افتادن ربا و رباخوار برای آن است که اول رباخوار يك مقداری ترقی می‌شود مثل بدر می‌شود که مشارب البنان است همه این بدر را نگاه می‌کنند به بدر اشاره می‌کنند کم کم آخر ماه که شد به محاق می‌افتد يك وقتی که طلوع می‌کند که تحت الشعاع شمس قرار می‌گیرد این محاق افتادن مال حرام است این مطموس شدن و فانی و محو شدن مال حرام است عرض کرد خدایا اموال اینها را محو بکن ﴿رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالَهُمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ﴾ خدایا دل‌ها به دست توست البته این دعاها یی که انبیا (علیهم السلام) می‌کنند مسبوق به اذن الاهی است اینها هرگز بدون اذن خدا دعا نمی‌کنند وجود مبارك ایوب بعد از مدتها صبر مجاز شد دعا بکند آن‌گاه عرض کرد ﴿رَبِّهِ أَفْنِي مَسْنَى الضَّرِّ وَانْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۳</sup> وگرنه آن رنجها را در سالیان متمادی تحمل می‌کرد بعد از اینکه اجازه دعا و اذن دعا رسید عرض کرد ﴿رَبِّهِ أَفْنِي مَسْنَى الضَّرِّ وَانْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۴</sup> که بعد دعایش مستجاب شد چه اینکه وجود مبارك حضرت نوح (سلام الله علیه) هم بعد از اینکه مأذون شد دعا بکند آنچنان که در سوره مبارکه نوح آمده دعا کرده است که عرض کرد خدایا ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا﴾<sup>۵</sup> در سوره مبارکه نوح

۱ - سوره مرسلات، آیه ۸

۲ - سوره بقره، آیه ۲۷۶

۳ - سوره انبیاء، آیه ۸۳

۴ - سوره انبیاء، آیه ۸۳

۵ - سوره نوح، آیه ۲۶

دعای حضرت نوح این است عرض کرد که ﴿رب انهم عصونی واتبعوا من لم یزده ماله و ولده الا خساراً﴾<sup>۱</sup> آیه ۲۶ و ۲۷ سوره مبارکه نوح این است ﴿و قال نوح رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیاراً﴾ انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لایلدوا الا فاجراً کفاراً<sup>۲</sup> اینها جزء ضلالت و اضلال منظور دیگری ندارند تقریباً نه قرن و نیم آزمود دیگر وجود مبارک حضرت نوح طبق بیان قرآن کریم ﴿فلبت فیهم ألف سنة الا خمسين عاماً﴾<sup>۳</sup> نهصد و پنجاه سال نبوت آن حضرت طول کشید نه عمر آن حضرت عمر آن حضرت خیلی بیش از اینها بود اینکه در تمام این نه قرن و نیم لب به نفرین نگشود و الان دارد دعا می‌کند و نفرین می‌کند معلوم می‌شود که مسبوق به اذن الاهی است خدای سبحان هم فرمود ما اوایل همه را برابر فطرت هدایت می‌کنیم این نعمت را عطاء می‌کنیم ﴿هدی للناس﴾<sup>۴</sup> است و مانند آن بعد اگر دیدیم يك عده‌ای عالماً عامداً در صدد ضلالت و اضلال خود و دیگران بودند آن‌گاه دل‌های اینها را از فهم معارف قرآن باز می‌گردانیم ﴿ساصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق﴾<sup>۵</sup> ﴿ساصرف عن آیاتی﴾<sup>۶</sup> چه کسی را؟ مفعول این ﴿ساصرف﴾<sup>۷</sup> چه کسانی هستند؟ ﴿ساصرف عن آیاتی﴾<sup>۸</sup> چه را و چه کسی را؟ ﴿الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق﴾<sup>۹</sup> آنها را دیگر نمی‌گذاریم بفهمند نمی‌گذاریم بفهمند یعنی چه؟ یعنی يك چیزی به آنها می‌دهیم به عنوان نفهمی يك کاری درباره آنها می‌کنیم به عنوان نفهماندن؟ یا نه کار وجودی نیست این قضیه بازگشتش به يك قضیه سلبی است موجه نیست یعنی آن لطف و آن احسان و آن محبتی که تا حال داشتیم حالا

۱ - سوره نوح، آیه ۲۱

۲ - سوره نوح، آیات ۲۶-۲۷

۳ - سوره عنکبوت، آیه ۱۴

۴ - سوره بقره، آیه ۱۸۵

۵ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

۶ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

۷ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

۸ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

۹ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

صرف نظر می‌کنیم حالا لطف خودمان را از اینها می‌گیریم این همان است که می‌گوییم «الهی و آله آبائی لاتکلفی الیٰ»<sup>۱</sup> نفسی طرفه عین أبدا»<sup>۲</sup> نه اینکه يك امر وجودی است به نام «ساصرف»<sup>۳</sup> یا «یضل من یشاء»<sup>۴</sup> خدا يك چیزی به آدم می‌دهد به عنوان گمراهی وقتی لطف خدا از انسان گرفته می‌شود انسان به حال خود رهاست این «ان النفس لأماره بالسوء الا ما رحم»<sup>۵</sup> اگر آن رحم گرفته شود این اماره بالسوء که هست از آن طرف «وَلَأُضِلُّهُمْ وَلَأُكَلِّفَهُمُ الْيُسْرَىٰ»<sup>۶</sup> از آن طرف که ابلیس بیرونی است از این طرف که نفس درونی است اگر لطف خدا نباشد اینها حمله می‌کنند اینکه گفته می‌شود «الهی و إله آبائی لاتکلفی الیٰ نفسی»<sup>۷</sup> حرز حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود برای اینکه می‌دید وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این دعا را زیاد مطرح می‌کند خدایا يك لحظه ما را به حال خودمان وانگذار همین است نه اینکه يك چیزی خدا می‌دهد به نام اضلال یا صرف و مانند آن نخیل آن لطف خاصی را که تا به حال داشت الان برمی‌دارد خطوط کلی‌اش در سوره مبارکه فاطر مشخص شد «ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک و ما یمسک فلا مُرسل»<sup>۸</sup> این اصل کلی است که حاکم بر همه آن آیات است یعنی یا ذات اقدس الاله در رحمت را باز می‌کند یا باز نمی‌کند باز نکردن که امر وجودی نیست یا لطف می‌کند یا لطف نمی‌کند لطف نکردن که امر وجودی نیست یا فیض می‌رساند یا نمی‌رساند نرساندن که يك امر وجودی نیست همین که فرمود «ساصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الارض»<sup>۹</sup> یعنی لطف‌مان را دیگر به اینها اعمال نمی‌کنیم همین بعد اینها به

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۶۱

۲ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

۳ - سوره رعد، آیه ۲۷

۴ - سوره یوسف، آیه ۵۳

۵ - سوره نساء، آیه ۱۱۹

۶ - وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۶۱

۷ - سوره فاطر، آیه ۲

۸ - سوره اعراف، آیه ۱۴۶

حال خودشان رها می‌شوند این می‌شود طمس در اموال این می‌شود قضاوت در دل‌ها تاکنون ذات اقدس الاله با لیت و لعل لطفش را اعمال می‌کرد اما فرعون و آل فرعون عالماً و عامداً اینها ﴿نبذ... کتاب الله وراء ظهورهم﴾<sup>۱</sup> در سوره مبارکه طه دارد که ما به این دو بزرگوار یعنی موسی و هارون (سلام الله علیهما) گفتیم در کمال نرمش فرعون را به دین دعوت کنید آیه ۴۱ به بعد سوره مبارکه طه این است ﴿اذهب انت و اخوك بآياتي ولاتتيا في ذكرى﴾<sup>۲</sup> ﴿تتيا﴾ یعنی ونی یعنی سستی به خود راه ندهید ونی ینی این است تتیا یعنی ونی و وهن و سستی را به خود راه ندهید ﴿ولاتتيا﴾<sup>۳</sup> یعنی سستی نکنید ونی نکنید در ذکر ما ﴿اذهبوا الى فرعون انه طغى﴾<sup>۴</sup> با اینکه طاغوت است ﴿فقولا له قولا لينا لعله يتذكر او يخشى﴾<sup>۵</sup> خیلی در کمال نرمش و آرامی هم خوب حرف بزنید هم حرف خوب بزنید محتوایش نرم باشد نحوه گفتن نرم باشد تا برگردد شاید برگردد

سؤال: ... جواب: بله خوب این معلوم می‌شود که هنوز آن در رحمت باز است.

سؤال: ... جواب: نه هرگز سنادید قریش مشرکان مکه مثل آل فرعون نبودند که سالیان متمادی ﴿يذبحون ابناءكم﴾<sup>۶</sup> باشد ﴿وَ يَسْتَحْيُونَ نساءكم﴾ باشد ﴿يقتلون ابناءكم﴾<sup>۷</sup> باشد ﴿يسومونكم سوء العذاب﴾<sup>۸</sup> باشد سائمه که بخش قبلاً گذشت در برابر معلوفه است به آن گوسفندانی می‌گویند سائمه که اینها بیابان‌چر باشند به آن گوسفندهایی می‌گویند معلوفه که پرواری باشد برای اینها يك اسطبلى يك آخوری داشته باشند اینها را نگهداری

۱ - سوره بقره، آیه ۱۰۱

۲ - سوره طه، آیه ۴۲

۳ - سوره طه، آیه ۴۲

۴ - سوره طه، آیه ۴۳

۵ - سوره طه، آیه ۴۴

۶ - سوره بقره، آیه ۴۹

۷ - سوره اعراف، آیه ۱۴۱

۸ - سوره اعراف، آیه ۱۴۱

کنند ﴿یسومونکم سوء العذاب﴾<sup>۱</sup> یعنی این بچه‌های مردم را عذاب چر کردند مثل همین کاری که الان اسرائیل دارد می‌کند این نمونه‌ای از این ﴿یذبجون ابناءکم﴾<sup>۲</sup> است دیگر این بچه رفته در دامان پدر در آغوش پدر این را جذب کرده جمع کرده این در چشم همه جهانیان این طفل را به گلوله بسته این می‌شود ﴿یذبجون ابناءکم﴾<sup>۳</sup> آن هم سالیان متمادی نمونه‌اش همین است که الان شما در اسرائیل می‌بینید آن وقت اینها باز جای رحم کردن است اینها که ذات اقدس الاله با همه آن اوضاعی که آنها داشتند فرمود ﴿فقلوا له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی﴾<sup>۴</sup> اما مردم مکه که این‌طور نبودند نسبت به مسلمانها البته يك چند نفری را آسیب رساندند اما هرگز مثل آل فرعون نبودند به هر تقدیر.

سؤال: ... جواب: بله خوب غرض آن است که با این همه اوصاف ذات اقدس الاله به اینها مهلت داد تا دیگر حالا به آن نصاب پایانی رسید اگر پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به مشرکان حجاز آن‌طور نفرین نکرد برای اینکه مشرکان حجاز هرگز مثل آل فرعون نبودند پس آنچه را که در سوره مبارکه طه است نشانه کمال رأفت و رحمت الاهی است که به موسی کلیم و هارون (سلام الله علیهما) داشت الان دیگر به پایان رسید نظیر همان کاری که نوح (سلام الله علیه) کرد نظیر کاری که انبیای دیگر احیاناً به اذن خدا کردند و وجود مبارک موسی و هارون (سلام الله علیهما) هم عرض کردند ﴿ربنا اطمس علی اموالهم واشدد علی قلوبهم﴾ طوری که ﴿فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم﴾ این ﴿حتى یروا العذاب الالیم﴾ یعنی آن وقت که ایمان نیست آن وقت که حال احتضار است ایمان اختیاری متمشی نمی‌شود ایمان اضطراری پیدا نشد این ایمان هم که مقبول نیست ذات اقدس الاله بعد از این دعایی که این دو بزرگوار کردند فرمود ﴿قال قد أجیبت دعوتكما﴾ این مستقبل محقق الوقوع است چون در حکم

۱ - سوره اعراف، آیه ۱۴۱

۲ - سوره بقره، آیه ۴۹

۳ - سوره بقره، آیه ۴۹

۴ - سوره طه، آیه ۴۲

ماضی است تعبیر به فعل ماضی شده است فرمود قطعاً دعای شما مستجاب است دعا را از زبان موسی کلیم نقل می‌کند که دارد ﴿وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ﴾ معلوم می‌شود که هارون (سلام الله علیهما) در همه صحنه‌های دعا حضور داشت حالا یا او هم دعا می‌کرد یا آمین می‌گفت آمین گوینده هم شریک داعی است در دعا و آن کسی که خواهان اجابت و استجاب است آن هم در حقیقت دارد دعا می‌کند ﴿قَالَ قَدْ اجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا﴾ ولی شما با پیروانتان این امر مستقیماً متوجه به موسی و هارون (سلام الله علیهما) است تا آنها هم پیروان آنها هم تبعیت کنند فرمود ﴿فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ شما استقامت کنید استقامت یعنی ایستادگی این قیامی هم که در قرآن تعبیر شده است ﴿إِنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارٍ﴾ و فرادی<sup>۱</sup> ﴿إِنَّمَا اعْظَمَكُمْ بَوَاحِدَةٍ إِنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارٍ﴾ و فرادی<sup>۲</sup> آن قیام هم یعنی ایستادگی نه ایستادن چون بهترین حال برای مبارزه و دفاع حالت ایستادن است از او به قیام یاد شده است و گرنه انسان گاهی نشسته است و کار ایستاده را انجام می‌دهد ﴿وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ فرمود این قومتان بالأخره جاهلند پیشنهادهایی دارند نظیر پیشنهادهایی که قبلی‌ها هم داشتند گفتند ﴿لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ مِنَ اللَّهِ جَهْرَةً﴾<sup>۳</sup> یا ﴿نَرَىٰ مِنَ اللَّهِ جَهْرَةً﴾<sup>۴</sup> یا پیشنهادهایی ممکن است بعداً از این سنخ بدهند شما يك کار مهمی را در پیش داری البته مشورت کردن يك چیز خوبی است اما مشورت کردن با مع الذین یعلم والا وجود مبارك موسی و هارون هم از مشورت کردن از تضارب آراء ولو برای ترویج این سنت حسنه باکی نداشتند اما يك ملتی که گاهی پیشنهاد می‌دهند ﴿لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ مِنَ اللَّهِ جَهْرَةً﴾<sup>۵</sup> گاهی می‌گویند ﴿أَرَأَيْتَ إِذْ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْقُرْآنَ﴾<sup>۶</sup> گاهی هم پیشنهادهای دیگری

۱ - سورة سباء، آیه ۴۶

۲ - سورة سباء، آیه ۴۶

۳ - سورة بقره، آیه ۵۵

۴ - سورة بقره، آیه ۵۵

۵ - سورة بقره، آیه ۵۵

۶ - سورة نساء، آیه ۱۵۳



می‌دهند با اینها مشورت کردن ندارد از اینها کمک فکری خواستن ندارد پیرو نظریات اینها بودن ندارد وقتی اینها به راه افتادند ﴿من اهل الكتاب امة قائمة يتلون آيات الله﴾<sup>۱</sup> بله آن‌گاه هم مشورت معنا دارد هم کمک فکری گرفتن برای غیر انبیاء معنا دارد و مانند آن.

سؤال: ... جواب: چون این نفرین است خدایا تو این قدرتها را دادی این قدرتها را از اینها بگیر تا اینها نتوانند باعث اضلال دیگران بشوند اکثری مردم هم چشمشان معیار عقلشان است و عقلشان هم در چشمشان است وقتی ببینند فرعون این طور استدلال می‌کند می‌گوید ﴿الیس لی ملک مصر و هذه الأنهار تجري من تحتي﴾<sup>۲</sup> معلوم می‌شود در يك فضای فکری بود که این‌گونه از براهین طلب‌کار داشته مطلوب بوده يك عده‌ای خواهان آن بودند شما الان هم می‌بینید بسیاری از ارزشها رفته به سمت دیگر به دنبال چیز دیگرند این‌طور نیست که حالا خون شهدا و سعی امام و اینها مثلاً محترم باشد دیگر خوب اینها هم بالأخره جوایز اینها هم روی کار آمدند اینها نه امام را دیدند نه جنگ را دیدند نه ارزشهای انقلاب را دیدند نه قبل از انقلاب را دیدند به دنبال چیز دیگر هستند بالأخره اینها را باید راهنمایی کرد به راه صحیح برد ولی فضا این است خوب در چنین فضایی استدلال فرعون این است که ﴿وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ اسْتَعْلَى﴾<sup>۳</sup> هر که سرمایه بیشتری دارد متمدن‌تر است ﴿الیس لی ملک مصر و هذه الأنهار تجري من تحتي﴾<sup>۴</sup> آن که محقق است می‌گوید خوب داشته باش چیز غاصبانه داری حالا بر فرض داشته باش چه دلیل به فضیلت تو است اما توده مردم که اهل این استدلال نیستند برای هدایت توده مردم هم که این دیگر خم رنگریزی نیست که جمعیت چند میلیونی را يك شبه انسان عالم بکند این ده بیست سال درس می‌خواهد در چنین کاری جز معجزه و دعا نقشی

۱ - سورة آل عمران، آیه ۱۱۳

۲ - سورة زخرف، آیه ۵۱

۳ - سورة طه، آیه ۶۴

۴ - سورة زخرف، آیه ۵۱

ندارد عرض کرد خدایا شما این قدرتها را از اینها بگیر که اینها نتوانند عوام فریبی بکنند بگویند ﴿اليس لي ملك مصر و هذه الأنهار تجري من تحتي﴾<sup>۱</sup> خوب من و برادرم می فهمیم که بر فرض این مال تو باشد این در اختیار توست این چه دلیلی برای برتری توست این آبی است که دارد می رود خدا خلق کرده عده ای را هم تو اجیر کردی استعمال کردی بی گاری گرفتی اینها این قصرها را ساختند این چه دلیلی بر فضیلت توست این را که توده مردم که نمی فهمند توده مردم وقتی ببینند که ﴿فأخذناه و جنوده فنبدناهم في اليم﴾<sup>۲</sup> آن وقت می فهمند حق با موسای کلیم است موسی کلیم عرض کرد خدایا ما با این عوام باید بنشینیم يك حوزه و دانشگاه داشته باشیم چندین سال درس بگوییم بگوییم اصول ارزشی چیست تا اینها بفهمند که ﴿قد افلح من تزكى﴾<sup>۳</sup> حق است نه ﴿و قد افلح اليوم استعلى﴾<sup>۴</sup> الان هم دنیا این طور نیست الان هم دیگر بسیاری از ارزش ها به آن سمت نمی رود آن ارزشی که برای يك گل زدن هست مگر برای فهمیدن و حل مسائل علمی و فقه و اصول هست یا برای المپیادتان هست این که نیست دنیا وضعش این است آنها که بالأخره ثروت دستشان است این راه را دارند طی می کنند خوب اگر این است در چنین فضایی به غیر از دعا و معجزه چه می تواند کارگر باشد حالا قرآن مرتب مکرر فرمود این ﴿و قد افلح اليوم من استعلى﴾<sup>۵</sup> يك تز باطلی است ﴿قد افلح من زكاه﴾<sup>۶</sup> ﴿قد افلح من تزكى﴾<sup>۷</sup> و مانند آن آنها اليوم هم می گویند ﴿و قد افلح اليوم من استعلى﴾<sup>۸</sup> اليوم هم می گویند مگر اليوم نمی گویند؟ الان اینها که می گویند شما نباید مثلاً این قدرت علمی هسته ای را

۱ - سورة زخرف، آیه ۵۱

۲ - سورة قصص، آیه ۴۰

۳ - سورة اعلیٰ، آیه ۱۴

۴ - سورة طه، آیه ۶۴

۵ - سورة طه، آیه ۶۴

۶ - سورة شمس، آیه ۹

۷ - سورة اعلیٰ، آیه ۱۴

۸ - سورة طه، آیه ۶۴

داشته باشید ما فقط باید داشته باشیم هر که سخن حق بگوید این وتو می‌کند یعنی رأی مخالف می‌دهد رأی مخالف او باعث بطلان آن قطع‌نامه هست در حقیقت اینها مدعی وحی هستند مگر ما نمی‌گوییم همه حرفها باید مطابق با قرآن باشد اگر مطابق با قرآن نباشد باطل است اینها می‌گویند در سازمان ملل در مجامع ملل در شورای امنیت هر جا هست باید مطابق با رأی ما باشد اگر مطابق با رأی ما نباشد ما رأی مخالف بدهیم می‌شود باطل وتو کردن یعنی همین آمریکا وتو کرد یعنی رأی مخالف داد رأی مخالف که داد آن قطع‌نامه می‌شود باطل الیوم هم همین‌طور است حالا شما در شرایط کنونی چه‌طور می‌خواهی مردم را بفهمانی از يك طرفی کار حوزویان و دانشگاهیان نشر معارف است از يك طرفی دعا توسل ﴿ربنا اطمس علی اموالهم واشدد علی قلوبهم﴾ تا از آن طرف کار یکسره بشود وجود مبارك موسی کلیم دید آخر این کار يك سال و دو سال و ده سال و بیست سال نیست تازه گفتند بین آن ﴿انا ربکم الاعلی﴾<sup>۱</sup> او با ﴿ما علمت لکم من إله غیري﴾<sup>۲</sup> او چهل سال فاصله شد بین ﴿ما علمت لکم من إله غیري﴾<sup>۳</sup> با ﴿ربنا اطمس علی اموالهم﴾ وجود مبارك موسی که موسی گفت و بعد اجابت شد چهل سال بین دعای موسی و اجابت فاصله شد تا زمینه فراهم بشود غرض این است که خدا ارحم الراحمین است تا اجازه ندهد انبیا يك چنین نفرین عامی را مطرح نمی‌کنند اما بالأخره خدا خدای همه است خدا خدای فرعون هم هست آنجا که فرمود ﴿اذهبا الی فرعون انه طغی﴾<sup>۴</sup> ﴿فقلوا له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی﴾<sup>۵</sup> چون خدای فرعون هم هست خالق فرعون هم هست می‌خواهد او هم هدایت بشود فرمود او با همه جرم و جنایتی که مرتکب شده است آرام با او حرف بزنید نرم

۱ - سورة نازعات، آیه ۲۴

۲ - سورة قصص، آیه ۳۸

۳ - سورة قصص، آیه ۳۸

۴ - سورة طه، آیه ۴۲

۵ - سورة طه، آیه ۴۲

رفتار باشید هم محتوای حرفتان نرم باشد هم نحوه گفتارتان نرم باشد ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئَلَّا يَعْتَبِرَ﴾<sup>۱</sup> وقتی هم که حالا با اینها افتاده ﴿وَأَصْلِبْنَكُمْ فِي جَذُوعِ النَّخْلِ﴾<sup>۲</sup> هست ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى﴾<sup>۳</sup> هست از آن طرف وجود مبارك موسى کلیم مأذون شد که يك چنین دعایی را بکند خدا هم فرمود دعای شما مستجاب می‌شود ولی همین بنی اسرائیل ممکن است پیشنهادهایی بدهند ﴿وَلَا تَتَّبِعَان سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ این بنی اسرائیل را آن‌طوری که قرآن کریم از زبان موسى (سلام الله علیه) تعبیر کرده است در آیه ۱۳۸ سوره اعراف که قبلاً بحث شد آنجا فرمود موسى کلیم (سلام الله علیه) که آنها را از دریا عبور داد آنها به عرض موسى کلیم رساندند ﴿يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِهْلًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ﴾<sup>۴</sup> وجود مبارك موسى کلیم به آنها فرمود ﴿انْكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾<sup>۵</sup> شما يك آدم جاهلی هستید هم جهل علمی دارید هم جهالت عملی دارید از این قوم جاهل به جهل علمی و جهالت عملی تعبیر به الذين لا يعلم می‌شود ذات اقدس الاله به این دو بزرگوار فرمود ﴿فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَان سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ مبدا اینها يك پیشنهاد دادند يك قدری ترسیدند يك قدری مثلاً تطمیع شدند یا تطمیع‌شان یا با تحبیب‌شان تهدیدشان پیشنهادهایی می‌دهند شما عوض بشوید ﴿وَلَا تَتَّبِعَان سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ آن‌گاه دستور رسید چون وقتی که اینها در مصر مستقر شدند بنا شد که آنها بنا گذاشتند آل فرعون که بساط همه اینها را یکسره جمع بکنند ذات اقدس الاله دستور داد که این بنی اسرائیلی که به تو ایمان آوردند اینها را از شهر بیرون ببر به سمتی که ما راهنمایی می‌کنیم آن سمت حرکت بکنید تا از دسترس و تیررس آل فرعون نجات پیدا کنید این قسمت مقاطع فراوانی دارد ابعاد گوناگونی دارد هر بخش از قرآن

۱ - سوره طه، آیه ۴۴

۲ - سوره طه، آیه ۷۱

۳ - سوره طه، آیه ۶۴

۴ - سوره اعراف، آیه ۱۳۸

۵ - سوره اعراف، آیه ۱۳۸

کریم عهده‌دار تبیین بعدی از این ابعاد است در سوره مبارکه بقره آیه ۵۰ مقداری از جریان شکاف دریا و عبور از دریا مطرح شد آیه ۵۰ سوره بقره این است که ﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنَاكُمْ وَاغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَانْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾<sup>۱</sup>

این ناظر به يك بخش خاص است در سوره مبارکه اعراف که قبلاً بحث شد آیه ۱۳۸ به این صورت آمده است ﴿وَ جَاوِزْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ﴾<sup>۲</sup> در سوره اعراف که قصه گذشت و عبور و گذر از دریا را نقل می‌کند برای اینکه می‌خواهد بگوید و بفرماید که بعد از اینکه این معجزه را علناً و عملاً احساس کردند و تجربه کردند و پشت سر گذاشتند همین که از دریا گذشتند و يك عده بت پرست را دیدند پیشنهاد بت پرستی دادند در سوره مبارکه یونس که فعلاً هستیم کیفیت غرق و ایمان حال اضطرار فرعون را بازگو می‌کند در قسمتهای دیگر نظیر آنچه که در سوره مبارکه دخان هست آنجا از يك کیفیت دیگری از جریان غرق فرعون سخنی به میان می‌آورد آیه ۲۴ سوره مبارکه دخان این است که به وجود مبارك موسى کلیم می‌فرماید حالا که آنها غرق شدند ﴿وَاتْرِكْ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ﴾<sup>۳</sup> شما در کمال آرامش این کاروان را از دریا بیرون ببر هدایت بکن اینها که به دنبال شما می‌آیند اینها این چنین نیست که آب همچنان برای اینها شکافته باشد اینها فرصت داشته باشند از دریا عبور کنند همین که شما از دریا بیرون رفتید اینها که در دریا هستند همه اینها غرق می‌شوند ﴿وَاتْرِكْ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ﴾<sup>۴</sup> در سوره مبارکه شعرا آنجا جریان اینکه این شکاف دریا به چه صورت بود به دوازده قسمت بود هر فروعی در يك راه مخصوصی می‌رفتند آن مطرح شد آیه ۶۴ سوره شعراء این است ﴿فَاَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾<sup>۵</sup> و از لفظا ثم

۱ - سوره بقره، آیه ۵۰

۲ - سوره اعراف، آیه ۱۳۸

۳ - سوره دخان، آیه ۲۴

۴ - سوره دخان، آیه ۲۴

الآخرین ﴿ غرض آن است که در هر گوشه‌ای مقطعی و بعدی از این ابعاد بازگو شده است اینجا فرمود ﴿و جاوزنا  
 ببني اسرائيل البحر فاتبعهم فرعون و جنوده بغيا و عدوا﴾ اینها آمدند شبانه حرکت کردند یا سحرگاه حرکت کردند به  
 رهبری موسای کلیم (سلام الله علیه) آمدند تا نزدیک دریای روان به موسای کلیم عرض کردند آخر اینها فرعون‌ها  
 که از پشت سر این لشکر جرارشان دارد می‌آید جلو هم که دریاست خوب ما را بین دو خطر گیر انداختی وجود  
 مبارك موسى کلیم فرمود نه ﴿كلا ان معي ربي سيهدين﴾<sup>۱</sup> يك چنین حرفی نزنید بالأخره دریا در اختیار آنهاست  
 شمشیر آل فرعون هم در اختیار خداست هر جا او دستور داد ما همان راه را طی می‌کنیم ﴿ان معي ربي سيهدين﴾<sup>۲</sup>  
 ترس ندارد او گفته ما می‌گوییم چشم دستور رسید ﴿ان اضرب بعصاك البحر﴾<sup>۳</sup> این دریا آب‌های رفته رفته و  
 آب‌های نیامده نیامد شده بستر خاکی ﴿فاضرب لهم طريقاً في البحر يبساً﴾<sup>۴</sup> جاده خشك شد خوب وقتی آن بعدی به  
 سرعت برود و آب قبلی يك تلی موجی درست بکند يك جبالی درست کند سلسله جبالی روی هم، روی هم، روی  
 هم قرار بگیرد و نیاید آن وسط می‌شود جاده خشك دیگر وجود مبارك موسى کلیم (سلام الله علیه) و همراهانشان  
 حرکت کردند رفتند فرعون خیال می‌کرد برای او هم همین دریا خشك می‌شود به موسى کلیم ذات اقدس اله وحی  
 فرستاد همین که شما در رفتید این آب‌ها این سلسله جبال آب که روی هم است همه‌شان می‌ریزد به همان حالت  
 اولیه برمی‌گردد ﴿فاتبعهم فرعون و جنوده بغيا و عدوا﴾ روی ظلم و تحدی خیال کردند می‌توانند اینها را درك بکنند  
 بعد آخرین نفر از پیروان موسى کلیم (سلام الله علیه) که از این دریا گذشتند ﴿فغشيهم من اليم ما غشيهم﴾<sup>۵</sup> این

۱ - سورة شعراء، آیه ۶۲

۲ - سورة شعراء، آیه ۶۲

۳ - سورة شعراء، آیه ۶۳

۴ - سورة طه، آیه ۷۷

۵ - سورة طه، آیه ۷۸

آب‌ها که به صورت سدّی شده است همه‌اش ریخت خب آن که آب آفرین است دریا آفرین است يك وقتی می‌گوید بایست يك وقتی می‌گوید برو دیگر هیچ فعلی بی علت نیست هیچ موجودی بی علت نیست اما همه علل که محسوس مادی نیست و همه علل هم که احصاء نشده همه علل هم که در اختیار ما نیست این مقدار را بله ما می‌فهمیم که هیچ فعلی بی علت نیست این قدر علل ناشناخته در عالم هست الی ماشاءالله دعا از آن قبیل است توسل از آن قبیل است این طور نیست که دعا یا توسل بر خلاف نظام علی و معلولی کار بکند که ما سرمایه ما مزجات ما درباره علم همین چند موردی است که آزمودیم راه‌های دیگر که بسته نیست.

سؤال: ... جواب: مادی و غیر مادی هم همین طور است الان مشخص شده است که فلان بیماری را با فلان دارو درمان می‌کنند پس فردا ممکن است علم پیشرفت بکند معلوم بشود که از عصاره ده‌ها گیاه هم می‌شود این بیماری را حل کرد اینها مادی است دیگر حالا اگر يك کسی از راه غیب فهمید که عصاره فلان گیاه هم حل می‌کند هم فهمیدنش به وحی الاهی است هم ابزار اولی‌اش امر مادی است هرگز در قلمرو حس و تجربه حصر نیست تا اینجا را ما فهمیدیم راه‌های دیگر چیست پیشنهادهای دیگر چیست علل و عوامل دیگر چیست در توان علوم حسی و تجربی است با همه گستره‌ای که دارد یعنی طب با همه پهناوری که دارد داروسازی با همه پهناوری که دارد گیاه شناسی با همه پهناوری که دارد هیچ کدام از اینها نمی‌توانند فتوی به حصر بدهند البته فلسفه و کلام دستشان باز است بالاتر از این اما اینها هم يك حد خاصی دارند ولی علوم تجربی با همه پهنه و گستره‌ای که دارد هرگز توان فتوی به حصر را ندارد زیرا آن مقداری را که آزمود این است آن مقداری را که در بین راه است و او نیازموند که لادری است لست ادری است به هر تقدیر وجود مبارك موسی کلیم با این وعده الاهی مطمئن شد که اینها که رفتند

بیرون فراعنه که در دریا هستند این سلسله جبال روی هم انباشته آب‌های اینها فرومی‌ریزد ﴿حقی اذا ادركه الغرق

قال آمنتم انه لا اله الا الذي آمنتم به بنو اسرائيل﴾ که انشاءالله به بحث بعد.

«والحمد لله رب العالمين»